

تکریم و احترام به شخصیت کودک

اسلام، توجه به نیازهای معنوی و تأمین احتیاجات روانی کودک را به طرز ظریفی پیش بینی نموده است...



اسلام، توجه به نیازهای معنوی و تأمین احتیاجات روانی کودک را به طرز ظریفی پیش بینی نموده است. از این روست که تکریم و رعایت احترام کودک به عنوان یک حق مسلم بر عهده والدین و دیگران، مورد تأکید قرار گرفته است. زیرا که دوره کودکی مهم ترین دوره زندگی انسان و دوره شکل پذیری و اثر پذیری او می باشد. روانشناسان معتقدند که در این دوره مهم ترین عامل مؤثر در رشد و تکامل شخصیت کودک محیط، اولیاء و اطرافیان او هستند.¹

همچنین روانشناسان، یکی از علتهای ایجاد عقده روانی را محترم نبودن فرد در برابر دیگران می دانند. مراعات احترام کودک یکی از راههای پیشگیری از پیدایش چنین آسیب روانی است. به علاوه، تکریم کودک و احترام به او، حس خودباوری و اعتماد به نفس را که در ارتباطات اجتماعی بسیار حائز اهمیت است، در آنان تقویت می کند. بنابراین، تکریم و احترام به شخصیت کودک را می توان به عنوان یک وسیله و روش تربیتی معرفی کرد. به همین جهت اسلام بر این مهم تأکید بسیار کرده است.

پیامبر صلی الله علیه و اله فرموده اند: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم یغفرلکم»؛ فرزندان خود را احترام کنید و آدابشان را نیکو گردانید تا مورد مغفرت و بخشش قرار گیرند.

البته به دلیل افکار غلط جاهلی، دختران بیشتر مورد بی مهری قرار می گرفتند، لذا احترام به دختران مورد تأکید قرار گرفته است.

ابن عباس نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: «من کانت له انثی فلم یؤذها و لم یهنها و لم یؤثر ولده علیها ادخله الله الجنة»؛ هر که دختری داشته باشد و به او آزار نرساند و به او بی احترامی نکند و پسرش را بر او مقدم ندارد، خداوند او را وارد بهشت می کند.

و همچنین ابن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل می کند که: «من کانت له ابنة فادبها و احسن ادبها و علمها فاحسن تعلیمها فوسع علیها من نعم الله التی اسبغ علیها کانت له منعة وسترا من النار»؛ هر که دختری داشت و به بهترین صورت او را تربیت و تعلیم کرد و همچنین از نعمتهایی که خداوند بر او ارزانی داشته است بهره مندش ساخت در برابر آتش جهنم برای خود سپری فراهم ساخته است.

و نیز پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: هر کس وارد بازار شود و هدیه ای برای خانواده ی خود بخرد چون کسی است که صدقه ای برای گروهی نیازمند برده باشد و اگر خواست آنچه را که به خانه برده بین آنان تقسیم کند از دختران شروع کند، زیرا هر که دختر خود را خوشحال کند همانند آن است که بنده ای از اولاد اسماعیل آزاد کرده باشد. و هر کس سبب شادمانی فرزندی شود مثل آن است که از ترس خدا گریسته باشد و هر کس از خوف خدا اشک بریزد، خداوند او را به بهشتهای پرنعمت خویش داخل می گرداند.⁵

البته اکرام و احترام کودکان مصادیق فراوانی دارد که در اسلام بدانها تصریح شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم. سلام کردن به کودکان:

سلام دادن به کودکان، نشانه تواضع، مناعت طبع، نرمخویی و سبب ارج نهادن به شخصیت کودکان است. پیامبر صلی الله علیه و اله در راه تکریم کودکان از حد جواب سلام و احوالپرسی قدم فراتر می نهاد و با آن مقام ارجمند به آنها سلام می کرد و پیوسته بر این کار اصرار داشتند تا این رفتار بعد از ایشان در میان مسلمانان سنت گردد. امام صادق علیه السلام به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «خمس لا ادعهن حتی الممات... و التسلیم علی الصبیان سنة من بعدی»؛ پنج چیز است که تا لحظه مرگ آنها را ترک نمی کنم... یکی از آنها سلام گفتن به کودکان است تا این رفتار، پس از من، (در میان مسلمانان) سنت گردد.

خطاب نیکو به فرزندان:

یکی از مظاهر احترام به کودک چنان که پیشتر هم اشاره شد، انتخاب نام شایسته برای اوست. همچنین به احترام نام بردن از او و صدا زدن او با اوصاف و لقبهای نیکو و شایسته، از دیگر موارد احترام و تکریم کودکان به شمار می رود. اوصاف و لقبهایی که حاکی از مهر و محبت و یادآور خیر و فضیلت باشند. صدا کردن محترمانه کودک با این اوصاف و القاب، علاوه بر تشدید روابط مهرآمیز، شخصیت کودک را به خوب بودن و به رشد و کمال رسیدن، سوق می دهد و در او اعتدال روانی برقرار می سازد و او را فردی مهرورز و دارای روحی کریم بار می آورد.

در این رابطه پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: «اذا سمیتم الولد فاکرموه و اوسعوا له فی المجلس و لا تقبحوا له وجهاً؛ وقتی نام فرزندان را می برید، او را گرامی بدارید و جای نشستن او را وسیع قرار دهید و نسبت به او رو ترش مکنید». و نیز ایشان فرموده اند: «اذا سمیتم الولد محمداً فاکرموه و اوسعوا له فی المجلس تقبحوا له وجهاً، هرگاه نام فرزندان را محمد گذارید، او را اکرام و احترام نمایید، در مجلسی که وارد می شود جا برایش بگشایید و چهره به رویش ترش مکنید». برخورد محترمانه با کودکان در مجالس که در دو روایت فوق بدان اشاره شده است، خود یکی از مصادیق تکریم کودکان محسوب می شود.

عیبجویی نکردن از کودکان:

هشام بن عروه از پدر خود نقل می کند: روزی مردی در حضور پیامبر صلی الله علیه و اله به خاطر عملی که فرزندش انجام داده بود از او عیبجویی کرد. پیامبر صلی الله علیه و اله به وی فرمود: «انما اینک سهم من کنانتک 9؛ فرزندت تیری از تیرهای تیردان تو است». یعنی فرزندت پاره تن تو و ذخیره آینده تو است و تو با توهین به شخصیت او هم به خود ضربه می زنی و هم این که کسی را تضعیف می کنی و بی مقدار می سازی که در آینده به تو یاری خواهد رساند و پشتیبان تو خواهد بود و هر عمل نیکی که انجام دهد، تو نیز از اجر و پاداش آن بهره مند خواهی شد. انتظار بجا داشتن از فرزند:

پدر و مادر باید همواره مراقب باشند که انتظاراتشان از فرزندان در حد طاقت و قوه و استعداد آنان باشد و هرگز امیال خود را بر آنان تحمیل نکنند و همچنین آنچه را که کودک در قوه داشته و انجام داده است با محبت از او بپذیرند. چه، انتظار و رای حد و توان کودک او را به گناه و طغیان و دروغ می کشاند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرمایند: «رحم الله من اعان ولده علی برّه، قال: قلت کیف یعینه علی برّه؟ قال یقبل میسوره و یتجاوز عن معسوره و لا یرهقه و لا یخرق به... 10؛ خداوند رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکویی اش یاری کند. راوی گوید: پرسیدم چگونه فرزند خود را بر نیکویی اش یاری کند؟ حضرت در جواب فرمودند: آنچه را که در وسع و توان کودک باشد و آن را انجام دهد، بپذیرد و از آنچه که بر کودک سخت و دشوار است درگذرد و با تحمیل کارهایی فوق طاقت، به او ستم روا ندارد و در رفتار با او درشتی و سختگیری نشان ندهد». و فای به عهد:

اسلام بر عملی کردن وعده هایی که پدران و مادران به فرزندان خود می دهند تأکید فراوان دارد؛ زیرا والدین با عمل نکردن به وعده ها، شخصیت فرزندان خویش را تحقیر کرده و به آنان درس دروغگویی می دهند و با گفتار بی عمل خود سخنانی را هم که در آینده خواهند گفت، از پیش بی اعتبار می سازند. 11. علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل می کنند که: «اذا وعد احدکم صبیه فلینجز 12؛ هر یک از شما، اگر به فرزند خود وعده ای می دهد، باید بدان وفا کند».

و همچنین امام کاظم علیه السلام فرمودند: «اذا وعدتم الصغار فافوا لهم فانهم یرون انکم الذین یرزقونهم و ان الله لیس یغضب لشیء کغضبه للنساء و الصبیان 13؛ اگر به کودکانتان وعده دادید وفا کنید زیرا آنان می پندارند که روزیشان به دست شماست، به راستی خداوند بر هیچ چیز آن چنان خشم نمی گیرد که به خاطر زنان و کودکان». پی نوشت ها:

1. جلالی، مهدی، روان شناسی کودک، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، خرداد 1347ه.ش، ص 464.
2. وسائل الشیعه، ج 15، ص 195، ح 9.
3. مستدرک الوسائل، ج 15، ص 118، ح 2.
4. کنز العمال، ج 16، ص 452.
5. مکارم الاخلاق، ص 221.
6. بحار الانوار، ج 73، ص 10.
7. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، 1406ه.ق، ص 124.
8. وسائل الشیعه، ج 15، ص 127.
9. کنز العمال، ج 16، ص 584.
10. وسائل الشیعه، ج 15، ص 199، ح 8.
11. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیه السلام، ص 97.
12. مستدرک الوسائل، ج 15، ص 170.
13. وسائل الشیعه، ج 15، ص 202.